



سعدی و خدایِ آشنایِ او در بوستان و گلستان

پارسا یعقوبی

عضو هیأت علمی و استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

زهرا ابطحی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تاریخ دریافت: ۸۹/۶/۱ * تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۲۷

چکیده

سعدی، یکی از مهم‌ترین ارکان ادب فارسی است که شهرتی جهانی دارد. بوستان و گلستان او را اثرگذارترین متون بر ارزش‌ها و باورهای مردم ایران دانسته‌اند. بنابراین پی‌بردن به آن بخش از نظرگاه‌های سعدی که در این دو اثر بیان شده‌اند، مهم به نظر می‌رسد. در پژوهش موجود، بعد از معرفی اجمالی سعدی، بوستان و گلستان، به توصیف دیدگاه‌های سعدی درباره‌ی خدا، بر اساس متن بوستان و گلستان پرداخته شده است.

خدایِ آشنایِ سعدی، همان خدایی است که اسلام معرفی می‌کند. سعدی نیز بر حضور دائمی و محوریت خداوند در تمامی امور تأکید کرده است.

واژه‌های کلیدی:

سعدی، خدا، بوستان، گلستان.

مقدمه

سعدی درباره‌ی خدا چه دیدگاهی داشته است؟ دلیل اهمیت این موضوع، جایگاه کم‌نظیری است که سعدی در ادبیات فارسی و ادبیات جهان دارد. بوستان و گلستان سعدی، از زمان تألیف همواره توجه مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرده‌اند. تقلیدها و ترجمه‌های فراوانی که از این دو اثر انجام پذیرفته است، گواهی بر این مدعا است. بعضی از پژوهشگران، بوستان و گلستان سعدی را اثرگذارترین متون بر ارزش‌ها و باورهای مردم ایران دانسته‌اند. بنابراین مطرح کردن آنچه که سعدی به شکل مستقیم و غیرمستقیم درباره‌ی خدا در بوستان و گلستان بیان کرده است، مهم به نظر می‌رسد. منظور از این پژوهش، پرداختن به همین موضوع است.

نام و زندگی‌نامه‌ی سعدی و معرفی بوستان و گلستان

دوران زندگی سعدی را می‌توان بحرانی‌ترین دوران تاریخ ایران دانست که با حمله‌ی مغول به ایران هم‌زمان گشت. «مغولان در سر راه خود از هر سرزمینی که می‌گذشتند همه چیز را نابود می‌کردند و رشد طبیعی مردمان این سرزمین‌ها را تا زمانی دراز متوقف می‌ساختند» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۴۴۵). این فاجعه برای ایرانیان نیز روی داد. با نگاهی گذرا به کتاب‌هایی که تاریخ ایران را در قرون هفتم و هشتم هجری مرور می‌کنند، می‌توان دریافت که علاوه بر کشته شدن انسان‌های بسیار و ویرانی آبادانی‌ها، میراث معنوی مغول برای ایرانیان از بین رفتن ارزش‌ها، سلطه‌ی روحیه‌ی قضا و قدری و رواج فراوان تصوف و عرفان بود که این اوضاع بر ادبیات این دوره نیز تأثیر گذاشت. «اتابکان فارس نیز دچار استیلاي مغول گشتند اما با آن‌ها از در تدبیر و اطاعت درآمدند و خراج‌گزاری مغولان را پذیرفتند و جنوب ایران را بدین طریق حفظ کردند» (همان).

سعدی در چنین زمانه‌ای، در سرزمین فارس پا به عرصه‌ی حیات نهاد. نام سعدی به صورت‌های مختلف ثبت شده که از همه مشهورتر، مشرف‌الدین مصلح (سعدی، ۱۳۸۶: ۸)، ملقب به افسح‌المتکلمین (شیواترین سخنگویان) است (دانش‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۳). تاریخ ولادت سعدی «مقدم بر حوالی سال ۶۱۰ - ۶۱۵ و شروع شهرت او پیش از حدود سال ۶۵۰ -

۶۵۵ نمی‌تواند باشد و اختیار تخلص نامش از سعدبن ابی‌بکر بن سعدبن زنگی بوده است» (اقبال، ۱۳۷۷: ۲۲).

اطلاع دقیقی از زندگی و خانواده‌اش نداریم. بیشتر آنچه به عنوان زندگی‌نامه‌ی سعدی در منابع مختلف آمده، از آثار او و به‌ویژه از بوستان و گلستان گرفته شده است؛ از جمله اینکه سعدی:

در میان خانواده‌ای از عالمان دین ولادت یافته است (سعدی، ۱۳۸۶: ۳۷۰). پدرش را در کودکی از دست داده (همان: ۲۳۰) و تا سن جوانی از نعمت مادر بهره‌مند بوده است (همان: ۱۳۷). با دختر یکی از رؤسای حلب ازدواج کرده است، اما از این وصلت به تلخی یاد می‌کند (همان: ۷۸ و ۷۹). در صنعا فرزندی را از دست داده است (همان: ۳۴۲). تحصیلاتش در نظامیه‌ی بغداد بوده است (همان: ۳۰۷). از محضر ابوالفرج بن جوزی (همان: ۷۲ و ۷۳) و سهروردی (سعدی، ۱۳۶۳: ۱۷۰) بهره‌مند گشته است و نیز از امام محمد غزالی با نام «امام مرشد» یاد می‌کند، (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۷۰). بعد از تحصیل در نظامیه‌ی بغداد، به سیر و سفر می‌پردازد. برخی معتقدند که سعدی به هیچ سفری نرفته و در مقابل نظراتی در تأیید همه‌ی سفرهای سعدی بیان شده است (امداد، ۱۳۷۷: ۹-۲۹). در مجموع، برداشت **یان ریپکا*** پذیرفتنی به نظر می‌رسد که:

«سعدی سفرهایی داشته است، اما در نقل تجربیات این سفرها، سخنان سرگرم‌کننده و آموزنده‌ای نیز از خود به آن‌ها افزوده است. سفرش به مکه، سوریه و مصر قطعی است، اما مسافرت او را به هند و کاشغر نمی‌توان پذیرفت» (ریپکا، ۱۳۸۳: ۴۵۱).

بعد از این سیر و سفرها است که سعدی دوباره به شیراز باز می‌گردد و به سرودن بوستان و تصنیف گلستان می‌پردازد. وی هنرمند توانایی است و در نظم و نثر بیش از ۲۲ رساله دارد. علی بن احمد بن ابی‌بکر بیستون، در سال ۷۲۶ هجری قمری، برای نخستین بار کلیاتی از آثار سعدی - بر اساس خط و کتابت خود شیخ اجل - فراهم آورده است (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۰ و ۱۱). سعدی را در نثرش شاعر، و در شعرش اشعر خوانده‌اند (صفا، ج سوم، ۱۳۸۶: ۱۲۱۸). «سهل ممتنع» (ایران زاده، ۱۳۸۲: ۳۸)، بهترین عبارت برای بیان سبک ویژه‌ی سعدی در نظم و نثر است.

* Jan Ripka

سعدی، سنی شافعی مذهب و پیرو مکتب کلامی اشعری بوده (محقق، ۱۳۷۵: ۲۸۸) و بیش از هر شاعر فارسی‌زبان دیگری در زمان خود شهرت یافته است (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۵۳). عمرش را طولانی - از نود تا یکصد و بیست سال - دانسته‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۸: ۱۸). «امر محقق اینکه او در یکی از سنوات ۶۹۰ یا ۶۹۱ یا ۶۹۴ فوت کرده است» (اقبال، ۱۳۷۷: ۱۳)؛ اگرچه «مرگ واقعی او زمانی خواهد بود که نامش از سر زبان‌ها بیفتد و نشان او از خاطرها محو شود» (همان: ۱۰) و سعدی چنان که خود سروده است، همیشه زنده خواهد ماند:

«هر کس به زمان خویشان بود
من سعدی آخر الزمانم»

(سعدی، ۱۳۸۶: ۵۱۴)

از میان آثار سعدی، غزلیات، گلستان و بوستان از مقبولیت ویژه‌ای برخوردار هستند. سعدی در میان غزل‌سرایان جایگاهی بی‌همتا دارد که پرداختن به این موضوع خارج از بحث این پژوهش است.

درباره‌ی بوستان و گلستان باید گفت که بسیاری این متون را نقش‌آفرین‌ترین و اثرگذارترین متون در ادب فارسی بر ارزش‌ها و باورهای مردم ایران می‌دانند (شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی (سعدی)، ۱۳۸۲: هیجده) و شرح‌ها، تقلیدها و ترجمه‌های بسیاری از این دو اثر نگاشته شده است. این دو اثر در حوزه‌ی ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرند و هر دو موشح به نام اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی هستند (قزوینی، ۱۳۷۷: ۳۱).

بوستان یا سعدی‌نامه (دانش‌پژوه، ۱۳۸۸: ۸۲)، اثری منظوم (حدود چهار هزار و پانزده بیت)، در قالب مثنوی و در بحر متقارب است. بوستان، از ده باب تشکیل شده است. بعد از ستایش خداوند، باب‌هایی با موضوع عدل و تدبیر و رای، احسان، عشق و مستی و شور، تواضع، رضا، قناعت، عالم‌تربیت، شکر بر عافیت، توبه و راه صواب مطرح شده و در پایان، باب دهم قرار دارد که موضوع آن، مناجات و ختم کتاب است. باب دهم را، «سوگندنامه‌ی سعدی» (کیانی، ۱۳۷۱: ۳۱۴) هم نامیده‌اند. «لحن سعدی در بوستان آرام، پدران و مهربان، مطمئن و صریح و خالی از تمنا و التماس و ضعف است» (موحد، ۱۳۷۸: ۷۹).

گلستان سعدی، شامل یک دیباچه و هشت باب است. پس از دیباچه، باب‌هایی با موضوع سیرت پادشاهان، اخلاق درویشان، فضیلت قناعت، فوائد خاموشی، عشق و جوانی، ضعف و پیری، تأثیر تربیت و آداب صحبت آمده است. می‌توان گفت که ابواب «در فضیلت قناعت»

و «در عشق و جوانی» و «در تأثیر تربیت» آمده در گلستان، متمم ابواب «در قناعت» و «در عشق و مستی و شور» و «در عالم تربیت» آمده در بوستان است (ایرانپرست، ۱۳۷۵: ۵۷). در مجموع حدود دویست و هشتاد و چهار حکایت و کلمه‌ی قصار در هشت باب گلستان آمده است و گاه حکایت آمده در یک باب با عنوان آن باب متناسب به نظر نمی‌رسد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۸: ۳۳۰-۳۳۹). نثر گلستان «مسجّع مرسل» است (خطیبی، ۱۳۶۶: ۶۰۴).

افسون واقعی سعدی و راز مقبولیت او را در جامعیتش می‌دانند (براون، ۱۳۶۶: ۲۵۵). «آثار سعدی دارای مخاطب انسانی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۶۷)؛ علاوه بر این ویژگی، بیان مضامین جهان‌شمول به سبکی بی‌نظیر، و نیز «نبودن تغییرات عمده در نظام جامعه» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۶۰) از جمله دلایلی هستند که سعدی توانسته است در طول قرن‌ها گسترش خود را در میان ایرانیان حفظ کند.

نظرگاه‌های سعدی درباره‌ی خدا

درباره‌ی واژه‌ی خدا بسیار گفته‌اند؛ اما «به دست‌دادن تعریفی از خدا که فراگیرنده‌ی تمامی کاربردهای این کلمه و معادل‌های آن در زبان‌های دیگر باشد، بسیار دشوار و شاید غیرممکن است.» (هیگ، ۱۳۸۴: ۲۴)

اگر خدا را وجودی بدانیم که وجودی بزرگ‌تر یا عزیزتر از او نباشد، وجود خدا قطعی است، اما این خدا برای هر انسانی به شکل خدایی شخصی وجود می‌یابد و بنابراین راه شناخت خدا به تنوع افرادی است که هریک به شناخت خدای آشنای خود رسیده‌اند. به طور خلاصه درباره‌ی شناختی که دین اسلام از خدا (با توجه به آیات قرآن و احادیث) بیان می‌کند، می‌توان گفت که:

«خدا در اسلام تنها آفریننده و نابودکننده‌ی همه‌ی پدیده‌ها است. خدا همه‌جا حاضر است و اگرچه ویژگی‌های انسانی چون شنوا، بینا و... در توصیف او به کار می‌رود، اما نباید او را به شکل انسان تصور کرد. ازلی و ابدی و همواره در حال آفرینش است. جهان را آفریده و همواره در حال تغییر نگه می‌دارد. حضور خدا در هر نقطه از جهان احساس می‌شود. خدا وجودی اسرارآمیز است که به واسطه‌ی پیامبران خود را به انسان‌ها می‌شناساند. داور نهایی همه‌ی خوبی‌ها و بدی‌ها است. خدا انسان را از لخته‌ی خون بسته آفریده است و تنها وظیفه‌ی انسان در برابر او تسلیم و فرمانبرداری است» (تیواری، ۱۳۸۱: ۱۸۳-۱۹۷).

توجه به اسامی و صفاتی که سعدی برای خداوند به کار برده است و نیز توجه به ویژگی‌هایی که سعدی آن‌ها را تنها خاص خداوند می‌داند، بخشی از دیدگاه‌های سعدی درباره‌ی خدا را روشن می‌سازد.

از نظر سعدی، کیفیت اسامی و صفات یادشده برای خداوند، متفاوت از مصادیق انسانی و شناخته شده‌ی این اسامی و صفات می‌باشد. در جدول ذیل، اسامی و صفات **خداوند** در بوستان و گلستان آمده است. البته امکان نتیجه‌گیری دقیق از این داده‌های آماری وجود ندارد. چراکه گلستان، اثری منثور و بوستان اثری منظوم و سروده شده در وزنی خاص است. بعضی از واژگان در بحر متقارب نمی‌گنجند و بنابراین در بوستان نیامده‌اند. حجم بوستان بیش از گلستان است و بسامد تکرار واژگان مشابه، در بوستان بیش از گلستان است.

جدول اسامی و صفات خداوند و بسامد آن‌ها در بوستان و گلستان

ردیف	اسامی و صفات خداوند	تعداد تکرار واژه در بوستان	تعداد تکرار واژه در گلستان
۱	آفریننده	۱۲	۶
۲	آمرزگار	۱	-
۳	اله	۳	۱
۴	الله	۶	۳۱
۵	ایزد	۲	۴
۶	بار(بزرگ)خدای عالم آرای	-	۱
۷	باری(آفریدگار)	۳	۴
۸	بخشنده و بخشاینده	۱۱	۶
۹	بدیع	۱	-
۱۰	برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم	-	۱
۱۱	برفرازنده‌ی آسمان	۱	-
۱۲	بزرگ	۱	-
۱۳	بزرگ‌تر	-	۱
۱۴	بزرگوار	-	۱

ردیف	اسامی و صفات خداوند	تعداد تکرار واژه در بوستان	تعداد تکرار واژه در گلستان
۱۵	بنده پرور	۱	-
۱۶	بینا	۲	۲
۱۷	بی مانند و انباز و جفت	۱	-
۱۸	بی مثل و مانند در اوصاف	۱	-
۱۹	بی نشان	-	۱
۲۰	پادشاه گرداننده‌ی ملوک	-	۱
۲۱	پاک	۶	-
۲۲	پرده پوش	۴	-
۲۳	پروردگار	۵	۱
۲۴	پناه	۴	۱
۲۵	پوزش پذیر	۱	-
۲۶	تربیت کننده (پرورنده)	-	۱
۲۷	تعالی (بلند قدر)	۲	۷
۲۸	تقدّس (منزه است)	-	۱
۲۹	توفیق دهنده	۸	۳
۳۰	توانا	۳	-
۳۱	توانای مطلق	۲	-
۳۲	توانگر	۱	-
۳۳	جان آفرین	۲	-
۳۴	جانان (معشوق)	۱	-
۳۵	جَلِيلُ الصِّفَات	۱	-
۳۶	جزا دهنده	-	۱
۳۷	جَلّ (بزرگ)	-	۲۱
۳۸	جهان آفرین	۶	۴
۳۹	جهانبان	۱	-
۴۰	حافظ (نگه دارنده مراقب)	۱	-

ردیف	اسامی و صفات خداوند	تعداد تکرار واژه در بوستان	تعداد تکرار واژه در گلستان
۴۱	حبیب	۱	-
۴۲	حق	۵۲	۱۳
۴۳	حکیم	۲	۲
۴۴	خدا	۳۷	۱۵
۴۵	خداوند	۲۱	۹
۴۶	خداوندگار	۲	۱
۴۷	خدای	۶۷	۳۵
۴۸	خطابخش	۱	-
۴۹	دادار	۴	-
۵۰	دارای خلق	۱	-
۵۱	دانا	۴	-
۵۲	داننده‌ی نهان و آشکار	-	۱
۵۳	داور	۱۵	۱
۵۴	درویش‌پرور	۱	-
۵۵	دستگیر	۴	-
۵۶	دوست	۷	۲
۵۷	ذوالجلال	۱	-
۵۸	رَبّ (پروردگار)	۶	۴
۵۹	رحمان (بخشاینده)	-	۱
۶۰	رزاق (روزی دهنده)	۱۲	۶
۶۱	سُبْحان (پاک و منزّه)	۱	۱
۶۲	ستار (پوشاننده)	-	۲
۶۳	سخن در زبان آفرین	۱	-
۶۴	سلطانِ عزّت	۱	-
۶۵	صاحبِ الطافِ خفیه	-	۱

ردیف	اسامی و صفات خداوند	تعداد تکرار واژه در بوستان	تعداد تکرار واژه در گلستان
۶۶	صاحبِ انعام	۴	-
۶۷	صاحبِ جلال	۳	۱
۶۸	صاحبِ جمال	۲	۱
۶۹	صاحبِ جود	۲	-
۷۰	صاحبِ حُکم	۴	-
۷۱	صاحبِ حکمت	۴	-
۷۲	صاحبِ حلم	۱	-
۷۳	صاحبِ خزانه‌ی غیب	۳	۱
۷۴	صاحبِ خشم	۳	-
۷۵	صاحبِ رحمت	۶	۳
۷۶	صاحبِ شرم	۲	۱
۷۷	صاحبِ عزّت (ارجمندی)	۱	۱
۷۸	صاحبِ عفو	۶	-
۷۹	صاحبِ علم	۵	-
۸۰	صاحبِ فضل (بخشش احسان)	۷	۱
۸۱	صاحبِ قدرت	۲	۱
۸۲	صاحبِ کرم	۷	-
۸۳	صاحبِ لطف	۱۳	۴
۸۴	صاحبِ نور	۱	-
۸۵	صمد (بی‌نیاز)	۲	-
۸۶	صورتگر	۵	-
۸۷	عالِم الغیب (آگاه از غیب)	۱	۱
۸۸	عزّ (بی‌همتا و ارجمند)	-	۱۷
۸۹	عزیز	۲	-
۹۰	عظیم (بزرگ)	-	۱
۹۱	علا (بلند مرتبه)	-	۵

ردیف	اسامی و صفات خداوند	تعداد تکرار واژه در بوستان	تعداد تکرار واژه در گلستان
۹۲	غفور(آمرزنده)	-	۱
۹۳	غنی	۴	-
۹۴	غیب‌دان	۱	۱
۹۵	فرمانده	۲	۱
۹۶	قادر	۱	-
۹۷	قدیم (وجودی که مسبوق به عدم و از غیرش نیاشد)	۲	۱
۹۸	کارساز	۱	-
۹۹	کردگار	۵	۱
۱۰۰	کریم	۳	۴
۱۰۱	لا یزال	۱	-
۱۰۲	مالکِ زمین	-	۱
۱۰۳	مُجیب	۱	-
۱۰۴	مجید	۱	-
۱۰۵	مُستعان(کسی که از او یاری خواهند)	-	۱
۱۰۶	مسکین نواز	۱	-
۱۰۷	معشوق	-	۱
۱۰۸	مَلِک	۳	-
۱۰۹	مهربان	۱	-
۱۱۰	نعمت‌دهنده	-	۳
۱۱۱	نقش‌بند	۲	-
۱۱۲	نکوکار	۱	-
۱۱۳	نیکی‌پسند	۱	-
۱۱۴	نگارنده	۴	-

ردیف	اسامی و صفات خداوند	تعداد تکرار واژه در بوستان	تعداد تکرار واژه در گلستان
۱۱۵	نویسنده‌ی عمر و روزی	۱	-
۱۱۶	وکیل (کسی که امور را به او می‌سپارند)	-	۱
۱۱۷	یارِ عزیز	-	۱
۱۱۸	یارِ یگر	۳	۱
۱۱۹	یزدان	۷	-

سعدی در دیباچه (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۸۷) و مناجات باب دهم بوستان (ص ۳۴۴)، شناختی را که از خدا دارد، دقیق‌تر بازگو می‌کند. وی نام خدا را آغازبخش امور می‌داند و بوستان را نیز با نام او آغاز می‌کند. سعدی معتقد است که عزت فقط با روی آوردن به درگاه خدا امکان دارد و همه نیازمند و بهره‌مند از نعمات او هستند اما خداوند نیازمند کسی نیست. دوست داشتن و لطف خدا نسبت به بندگان بسیار متفاوت از دوست داشتن‌ها و الطاف انسان‌ها نسبت به یکدیگر است. همه‌ی موجودات فرمانبردار و روزی‌خوار خداوند هستند. همه‌ی امور به خواست اوست و اراده و قدرت خدای عالم، به شکلی بی‌نقص، در تمام هستی جریان دارد. فرمان خدا قطعاً تحقق می‌یابد و کسی را یارای چون و چرا و مقاومت در برابر امر او نیست. خدا هستی را از عدم آفریده و دوباره به عدم بازخواهد برد، و سرانجام در صحرای محشر گرد خواهد آورد. خدا فراتر از وهم و فهم و ادراک انسان است؛ بنابراین آدمی نمی‌تواند به ذات خداوند پی ببرد و فقط به شناخت شمه‌ای از اوصاف او می‌تواند برسد که کیفیت این صفات متفاوت از مصادیق انسانی آن‌هاست. تنها با عشق و پیروی از راه پیامبر شناخت خدا امکان دارد. کسی هم که به این شناخت بی‌چون و چگونه می‌رسد قادر به بازگو کردن آن نیست. تنها پناه و امیدی که هرگز خواهنده را ناامید نمی‌کند و تنها ره‌نمای به خیر خداوند است. اگر گنهکاری موفق به توبه می‌شود به یاری و خواست او است و تنها یاریگر حقیقی که توان رستگاری را به آدمیان می‌دهد، خداست. توان و خواست بندگان در مقابل خدا، هیچ است. بنده عبادت و سپاس شایسته‌ی خداوند را نمی‌تواند به‌جای آورد، بنابراین همواره در درگاه او مقصر و بی‌بضاعت است. اگر خدا با صفت عدالت خود به اعمال بندگان رسیدگی کند، همگی آنان سزاوار دوزخ هستند. بنابراین اظهار عجز و تواضع در درگاه

خداوند و امید به فضل و لطف و رحمت او تنها سرمایه‌ی بندگان برای عفو و رستگاری به شمار می‌آید. همه‌ی امور به خواست خداست و هر چه او بخواهد اتفاق خواهد افتاد و همه تسلیم امر خداوند هستند. خدا، سرنوشت محتوم آدمیان و خوشبختی و بدبختی آن‌ها را قبل از تولدشان رقم زده است. فاعل حقیقی امور خداست و مؤثر دیدن کسی دیگر در رویدادها، نوعی شرکِ خفی است:

«اگر عَزَّ و جَاه است و گر ذُلَّ و قید من از حق شناسم، نه از عمرو و زید»

(ص ۲۵۹)

«سعادت به بخشایش داور است
به بدبختی و نیکبختی قلم
نه در چنگ و بازوی زورآور است
بگردید و ما هم چنان در شکم...
قضا کشتی آنجا که خواهد برد
و گر ناخدا جامه بر تن دَرَد»

(صص ۲۸۴ - ۲۹۰)

«از آنم که بر سر نشتی ز پیش نه کم کردم ای بنده پرور نه بیش»

(ص ۳۴۶)

راه طاعتِ خدا، جدای از خدمت به انسان‌ها نیست، و در نماز و روزه خلاصه نمی‌شود، و حتی:

«به احسانی آسوده کردن دلی به از الف رکعت به هر منزلی»

(ص ۲۳۴)

خدا، نسبت به انسان‌های بخشاینده و دادگر، بخشایشگر است (ص ۲۱۵) اما مردم آزار را دشمن می‌دارد (ص ۲۰۸). پیغام‌رسانی سروش (فرشته) (ص ۲۱۹)، آوازِ هانفی از غیب (ص ۲۳۳)، وحی بر پیامبران (ص ۲۳۵) و شنیدن ندایی درونی (ص ۲۵۴) از راه‌های ارتباط خدا با انسان است.

شناختِ خداوند به شکلی که شایسته‌ی او است، امکان ندارد. خدا، در محدوده‌ی شناخت انسان نمی‌گنجد، فقط می‌توان اندکی به توصیف او پرداخت. خدا را تنها با عشق، عبور از خود و مکاشفه و مراقبه می‌توان شناخت و عاشق توان سخن گفتن از معشوق را ندارد (ص ۲۴). تنها وجودِ حقیقی خداست و اهل معنی این حقیقت را درمی‌یابند (ص ۲۵۸). تجلّی خداوند در تمام جلوه‌های خلقت قابل مشاهده است (ص ۳۱۵). تنها خدا تواناست (ص ۳۲۹). خدا، تنها بخشنده، تنها پناه و تنها نیکبختی‌دهنده است (ص ۲۹۰).

صاحب نعمت اصلی خداوند است بنابراین سپاس، تنها ویژه‌ی اوست. نعمتِ انسان سپاسگزار افزون خواهد شد و نعمتِ فردِ ناسپاس زوال خواهد یافت (ص ۲۱۰). خدا، تنها عزت‌دهنده است (ص ۳۴۴). فقط رضایِ خدا مهم است (ص ۳۱۶). خدا بالاترین و تواناترین مقام است و هدایت و گمراهی تنها به خواست اوست (ص ۱۷۴). روی دادن همه‌ی امور (وقایع خیر و شر) به امر و خواستِ خداوند است و چون و چرا در امرِ او راه ندارد (صص ۵۲ و ۵۳). بر هر نعمتِ خداوند شکری واجب است. نعمتِ خداوند بسیارند و کسی نمی‌تواند شکرگزار تمامی آن‌ها باشد، پس بهتر است که عذرخواه از این کوتاهی به درگاه خداوند روی بیاورد (ص ۲۳). عبادتِ خداوند را نیز، آن‌چنان که شایسته‌ی او باشد، نمی‌توان به جا آورد (ص ۲۴). خدا روزی‌رسانِ بی‌چون و چرایِ تمامی مخلوقات در هر شرایطی است:

«ولیکن خداوند بالا و پست
 به عصیان در رزق بر کس نبست
 ادیم زمین، سفره‌ی عام اوست
 چه دشمن بر این خوان یغما، چه دوست...
 چنان پهن خوان کرم گسترده
 که سیمرغ در قاف قسمت خورد...
 مهیاکنِ روزی مار و مور
 و گَر چند بی‌دست و پایند و زور»

(ص ۱۸۵)

خدا در هر شرایطی به بندگان روزی می‌رساند و ابروی بندگان را حفظ می‌کند:

«پرده‌ی ناموسِ بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نبرد»

(ص ۲۳).

خداوند آجل و روزی همه‌ی مخلوقات را مقدر و معین کرده است و با به پایان رسیدن روزیِ آنان، آجلشان فرا می‌رسد. فرمان خداوند تغییر نمی‌کند:

«گرت زندگانی نبشته‌ست دیر
 نه مارت گزاید نه شمشیر و شیر
 و گَر در حیاتِ نمانده‌ست بهر
 چنانت کشد نوشدارو که زهر
 نه رستم چو پایانِ روزی بخورد
 شغاد از نهادش برآورد گرد؟»

(ص ۲۸۴)

«صیاد بی‌روزی در دجله نگیرد، و ماهی بی‌آجل بر خشک نمیرد» (ص ۱۰۰).

«دو چیز مُحالِ عقل است: خوردنِ بیش از رزقِ مقسوم، و مُردنِ پیش از وقتِ معلوم.

ای طالبِ روزی بنشین که بخوری و ای مطلوبِ آجل مرو که جان نبری.
 جهد رزق ار کنی و گمر نکنی برساند خدای عزّ و جلّ
 ور روی در دهان شیر و پلنگ نخورندت مگر به روز آجل»

(ص ۱۶۸)

جمع بندی

خدا در اندیشه و گفتار سعدی حضوری دائمی دارد. یادکرد خداوند در جملات دعایی و سوگندها و جملات معترضه‌ی آمده در بوستان و گلستان نیز دیده می‌شود. با توجه به جدول اسامی و صفات **خداوند** در بوستان و گلستان، مشخص می‌شود که در بوستان، تعداد تکرار واژگان خدای (۶۷ بار)، حق (۵۲ بار)، خدا (۳۷ بار)، خداوند (۲۱ بار)، داور (۱۵ بار)، صاحب لطف (۱۳ بار)، رزاق (۱۲ بار)، آفریننده (۱۲ بار)، بخشنده و بخشاینده (۱۱ بار) و در گلستان، تعداد تکرار واژگان خدای (۳۵ بار)، الله (۳۱ بار)، جلّ (۲۱ بار)، عزّ (۱۷ بار)، حق (۱۳ بار)، خداوند (۹ بار) بیشتر است.

به طور کلی، شناختی که سعدی از خدا بیان کرده، عشق محور است. خدای او مهربان، بخشنده و بخشاینده است. سعدی بسیار بر به‌کاربردن صفاتی با محوریت مهربانی خداوند تأکید دارد و به صفات قهریه‌ی خداوند اشاره نکرده است. البته در بوستان از بیدادگر، به عنوان خشم خدا یاد شده (ص ۲۳۵) و نیز در گلستان، خداوند، عذاب‌دهنده‌ی مردم آزار معرفی شده است (ص ۱۵۸).

سعدی پیروی از شریعت مصطفی (ص) را آغاز راه خداشناسی می‌داند، اما در ادامه بر شناخت قلبی و عاشقانه‌ی خداوند تأکید دارد. این شناخت فردی است و قابلیت بازگویی و انتقال ندارد.

خدا از نظر سعدی، تنها وجود حقیقی و صاحب فرمان و توانای مطلق است. صاحب نعمت اصلی او است و سپاس و منت تنها ویژه‌ی او است. هدایت و گمراهی تنها به خواست خداوند است.

همه‌ی موجودات به یادکرد خداوند مشغولند. انسان هم باید به سپاسگزاری و طاعت و عبادت او بپردازد؛ هرچند که کسی توان به جای آوردن سپاس و طاعت خداوند را آن چنان

که شایسته‌ی او باشد ندارد. خداوند روزی و آجل همه‌ی موجودات را مقدر کرده است و تغییری در حکم خداوند ایجاد نخواهد شد.

منابع و مأخذ

۱. اقبال، عباس، (۱۳۷۷)، «زمانه و اوایل تولد سعدی»، برگرفته از: *سعدی‌شناسی*، به‌کوشش کوروش کمالی سروستانی، چاپ اول، شیراز: دانشنامه‌ی فارس، دفتر اول، صص ۹-۲۳.
۲. امداد، حسن، (۱۳۷۷)، *جدال مدعیان با سعدی*، چاپ اول، شیراز: نوید.
۳. ایرانپرست، نورالله، (۱۳۷۵)، «شناسایی سعدی»، برگرفته از: *مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی*، تألیف منصور رستگار فسایی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، صص ۵۵-۵۷.
۴. ایران‌زاده، نعمت‌الله، (۱۳۸۲)، «تحلیلی بر کاربرد هنری فعل در غزل‌های سعدی»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های ادبی، شماره‌ی ۲ (پائیز و زمستان): ۳۷-۶۲.
۵. براون، ادوارد، (۱۳۶۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ترجمه‌ی غلامحسین صدیقی‌افشار، چاپ اول، تهران: مروارید.
۶. تیواری، کدارات، (۱۳۸۱)، *دین‌شناسی تطبیقی*، ترجمه‌ی مرضیه‌ی شنکایی، ویرایش علمی بهزاد سالکی، چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
۷. حدیدی، جواد، (۱۳۷۳)، *از سعدی تا آراگون: تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه*، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۸. حسن‌لی، کاووس، (۱۳۸۰)، *فرهنگ سعدی‌پژوهی (۱۳۷۵-۱۳۰۰)*، چاپ اول، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، مرکز سعدی‌شناسی.
۹. خطیبی، حسین، (۱۳۶۶)، *فن‌نثر در ادب پارسی*، چاپ اول، تهران: زوآر.
۱۰. دانش‌پژوه، منوچهر، (۱۳۸۸)، *استاد سخن سعدی (مروری بر زندگی و آثار مصلح‌الدین سعدی شیرازی)*، زیر نظر علیرضا مختارپور، چاپ اول، تهران: همشهری.
۱۱. روان‌فرهادی، عبدالغفور، (۱۳۷۷)، «سه قرن و نیم سعدی‌شناسی در غرب از روی ترجمه‌های گلستان و بوستان»، برگرفته از: *ذکر جمیل سعدی (مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتادمین سالگرد تولد شیخ اجل سعدی)*، گردآوری یونسکو، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، صص ۱۷۵-۱۹۶.
۱۲. ریپکا، یان، (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، ترجمه‌ی ابوالقاسم سرفی، چاپ اول، تهران: سخن.

۱۳. سعدی، مصلح‌بن عبدالله، (۱۳۶۳)، *بوستان*، شرح از محمد خزائلی، چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
۱۴. سعدی، مصلح‌بن عبدالله، (۱۳۸۶)، *کلیات سعدی*، بر اساس تصحیح و طبع محمدعلی فروغی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ چهارم، تهران: دوستان.
۱۵. شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، *ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)*، چاپ اول، تهران: سخن.
۱۶. شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۶)، *زمینه‌ی اجتماعی شعر فارسی*، چاپ اول، تهران: اختران.
۱۷. صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، جلد سوم - بخش دوم، چاپ پنجم، تهران: فردوس.
۱۸. قزوینی، محمد، (۱۳۷۷)، «ممدوحین شیخ سعدی»، برگرفته از: *سعدی‌شناسی*، به کوشش کوروش کمالی سروستانی، دفتر اول، چاپ اول، شیراز: دانشنامه‌ی فارس، صص ۲۵ - ۹۰.
۱۹. کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۸۵)، *سعدی شاعر عشق و زندگی*، چاپ اول، تهران: مرکز.
۲۰. کیانی، حسین، (۱۳۷۱)، *سوگند در ادب فارسی*، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۲۱. ماسه، هانری، (۱۳۶۴)، *تحقیق درباره‌ی سعدی*، ترجمه‌ی محمد حسن اردبیلی و غلامحسین یوسفی، چاپ اول، تهران: توس.
۲۲. محقق، مهدی، (۱۳۷۵)، «سعدی و قضا و قدر»، برگرفته از: *مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی*، تألیف منصور رستگارفسائی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر، صص ۲۸۷ - ۳۰۰.
۲۳. موحد، ضیاء، (۱۳۷۸)، *سعدی*، ویرایش ۳، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
۲۴. وحیدیان کامیار، تقی، (۱۳۷۸)، «بررسی ترتیب کتاب و تهذیب ابواب گلستان سعدی». برگرفته از: *سلسله‌ی موی دوست*، کاووس حسن‌لی، دفتر دوم، چاپ اول، شیراز: هفت اورنگ، صص ۳۳۰ - ۳۳۹.
۲۵. هیک، جان، و دیگران، (۱۳۸۴)، *خدا در فلسفه (برهان‌های فلسفی اثبات وجود باری)*، ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۶. شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی (سعدی)، (۱۳۸۲)، سرپرست طرح: حمید تنکابنی، ویراستار: ژاله باختر، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: شورای پژوهش‌های علمی کشور، کمیسیون علوم اجتماعی و تربیتی.